یادداشتی از محسن هاشمی‌رفسنجانی

آخرین نامه صدام به هاشمی

۲۳مـرداد ۱۳۶۹روز بزرگـی در تاریخ ایران اسـت؛ روز تثبیت پیـروزی ایـران در دفاع مقدس و جنـگ تحمیلی، آن‌هم با امضای صدام‌حسـین، رئیس‌جمهور بعثی عراق. صدام در این روز نامه‌ای را امضا و برای ایران ارسال کرد که حاوی عبارت عجیبی بود: «جناب آقای هاشمی‌رفسنجانی محترم، رئیس‌جمهوری اسـلامی ایران، بـا این تصمیم ما، دیگر همه‌چیز روشـن شـده و بدین ترتیب همه آنچه را که می‌خواسـتید و برآن تکیه می‌کردید، تحقق می‌یابد و دیگر اقدامی جز مبادله اسـناد باقـی نماند». برای بسـیاری از کارشناسان و مسئولان کشور این نامه و عملی‌شدن اقدامات وعده داده‌شـده در آن باورنکردنی نبود، صدامی که ۱۰سال قبـل از آن به ایران حمله کرده بود، امـروز نامه‌ای را امضا می‌کند که تمام اهداف و خواسـت‌های جمهوری اسلامی ایـران، ازجمله پذیرش توافق ۱۹۷۵ الجزایر، عقب‌نشـینی تا مرزهای بین‌المللی، آزادی بدون قیدوشـرط همه اسرای ایرانی و اجرای همه بندهای قطع‌نامه ۵۹۸، همه مطالباتی بودند که ایران در مذاکرات صلح سازمان ملل دنبال می‌کرد اما خـارج از این مذاکرات و با مکاتبه میان صدام و آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، رئیس‌جمهور وقت ایران به دست آمد. این نامه پنجمین و آخرین نامه‌ای بود که صدام حسـین به رئیس‌جمهور ایران ارسال کرد و در حدود سه‌ماه با موضوع پیچیـده و مهمی که هزینه جنگی هشت‌سـاله را به ایران تحمیل کـرده بود، در مذاکرات مکتوب دو رئیس‌جمهور به نتیجه رسید.

با به‌نتیجه‌رسـیدن این مکاتبات عملا کشـور از شرایط ناپایـدار و نگران‌کننده آتش‌بس به صلحـی پایدار و ایمن رسـید؛ صلحی که اکنون به ۳۰سالگی خود رسیده است و امیدواریم برای نسل‌های بعد نیز پایدار بماند.

ماجرا چگونه آغاز شد؟

در روز پنجم اردیبهشت سال ۱۳۶۹، فرستاده ویژه صدام به‌همراه فرستاده ویژه یاسـر عرفات به‌عنوان میانجی وارد تهران شـدند تا نخسـتین نامه صدام و درخواست عرفات برای میانجیگری میان ایران و عراق را تسلیم مقامات عالیه جمهوری اسلامی کنند. نامه نخست صدام، مشترکا خطاب به آیت‌الله خامنه‌ای و آیت‌الله هاشمی‌رفسـنجانی نوشته شده بود اما از نامه دوم، مکاتبات میان رئیس‌جمهوری ایران و عراق صورت گرفت؛ هرچند رهبر انقلاب به‌صورت دقیق و گام‌بـه‌گام در جریان مکاتبات و مذاکرات قرار می‌گرفتند و همه نامه‌های ارسالی به تأیید ایشان می‌رسید.

نکته جالب توجه در این فرایند، دقت نظر و تیزهوشـی آیت‌الله هاشمی‌رفسـنجانی بـود که با شـناخت کامل از روحیات و روان‌شناسی صدام حسین، در پیش‌نویس‌نامه‌های که از سـوی وزارت خارجه تهیه می‌شـد، تغییرات اساسی مـی‌داد که موجب غافلگیری طـرف مقابل و واکنش‌های منفعلانه آنان شد، صدام در دومین نامه خود تصریح می‌کند که به اتفاق سایر مسئولان ارشد عراقی، پاسخ رئیس‌جمهور ایران را بارها مطالعه کرده است و در آخرین نامه نیز اظهار می‌کند که تمامی درخواست‌های ایشان را پذیرفته است.

حدود سه‌ماه پس از آغاز مکاتبات میان رؤسای جمهور عـراق و ایران، عراق به کویت حملـه می‌کند و درحالی‌که برخـی جریانات تندروی داخلی، به‌ویژه در مجلس سـوم، طرح ائتلاف با صدام بـرای جنگ با آمریکا را مطرح کردند اما جمهوری اسلامی با تدبیری تاریخی، ضمن محکوم‌کردن تجاوز صدام به کویت، بی‌طرفی ایران را در جنگ اعلام و از حادثه پیش‌آمده در جهت تأمین منافع ملی ایران، استفاده کردند کـه نتیجه آن، پذیرش خواسـته‌های ایران توسـط عراق و اعلام عراق به‌عنوان متجاوز از سـوی سازمان ملل بود. مجموعه اسـناد مکاتبات رؤسای جمهور ایران و عراق به‌همراه تصویر نامه‌ها، در قالب کتاب «دوازده‌نامه» از سوی دفتر نشر معارف انقلاب منتشر شده و در اختیار پژوهشگران و علاقه‌مندان قرار گرفته است.

پیروزی در دفاع مقدس به روایت خاطرات آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی

● **۵ اردیبهشـت:** آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در خاطرات روز پنجم اردیبهشـت سـال ۶۹ خـود می‌نویسـد: «نامه صدام[حسـین، رئیس‌جمهور عراق] و یاسـر عرفات[رهبر سـازمان آزادی‌بخش فلسـطین] را آورد که ابوخالد آورده است. صدام پیشـنهاد ملاقات سران دو کشور در شهر مکه برای مصالحه داده و عرفات خواسـتار پذیرش این پیشنهاد شده اسـت. دراین‌باره، تلفنی با رهبری صحبت کردم. قرار شـد فردا برای بررسی موضوع، شـورای عالی امنیت ملی جلسه بگیرد.

● **۶ اردیبهشت:** عصـر شورای عالی امنیت ملی با حضور مشـاوران سیاسی من و رهبری جلسـه داشت؛ درباره نامه صدام بحث کردیم. قرار شد جواب بدهیم و در ابتدا، مذاکره در سطح پایین را بپذیریم؛ بحث‌های خوبی شد.

● **۸ اردیبهشت:** دکتر[حسن] روحانی، [دبیر شورای عالی امنیت ملی] آمد و پیش‌نویس جـواب نامه صدام را آورد. شـورای عالی امنیت ملی جلسه داشـت. موضوع آمایش سـرزمینی خوزسـتان، با توجه به جهات امنیتی و دفاعی بحث شـد. ادامـه بحث را به جلسـه بعد احالـه کردیم. آقای[سیدحسـن] فیروزآبادی، [رئیس ستاد فرماندهی‌کل قوا] و [محمد] فروزنده، [جانشین ستاد فرماندهی‌کل قوا]، ازسـوی رهبری، چک یک‌میلیون‌تومانی را که همراه نشانِ درجه‌یک فتح اسـت، برای من آوردند. شـب با احمدآقا و آقای خامنه‌ای جلسـه داشـتیم. فیلم مراسم خاک‌سپاری امـام را دیدیـم؛ آنجا که کفن امـام را مردم پـاره کرده‌اند، بخشـی از بدن امام عریان شده اسـت؛ نظرمان این شد که اشـکالی در پخش آن از تلویزیون نیسـت. درباره جواب به نامه صدام و مسـائل دیگر سیاسـت خارجی هم صحبت کردیم. رهبری گفت شبِ عید نوروز، بعد از شنیدن پیام‌های نوروزی از تلویزیون، خواب رفته و امام را خواب دیده‌اند که معترضانه و دوستانه به ایشان گفته‌اند چرا در پیام نوروزی اسم رئیس‌جمهور را نبرده‌اند و ایشان جواب داده‌اند فردا در صحبت عید جبران می‌کنند.

● **۱۱اردیبهشـت:** عصر در دفترآیت‌الله خامنه‌ای، شورای عالی امنیت ملی جلسـه داشـت. روی متن جواب به نامه صدام [حسـین، رئیس‌جمهور عراق] تصمیم‌گیری کردیم؛ قرار شـد نامه را وزیر نفت در نشسـت اوپک، به وزیر نفت عراق بدهد... شب آقای خامنه‌ای، دو بار تلفنی درباره متن نامه جواب صدام تماس گرفتند.

● **۱۲اردیبهشـت:** صبـح بـه دفتـرم رفتم. تا سـاعت نُه‌ونیـم، متن جواب به نامه صدام را اصلاح می‌کردم؛ برای اظهارنظر نزد آیت‌الله خامنه‌ای فرستادم... شب برای انجام کارها و تکمیل پاسخ به نامه صدام براساس نظرات آیت‌الله خامنه‌ای، در دفترم ماندم.

● **۲۱ اردیبهشت:** سرشـب دکتر [علی‌اکبـر] ولایتی آمد و گزارش مذاکره با [آقای یوسف بن] علوی، وزیر امور خارجه عمان را داد که عصر امروز به تهران آمده اسـت. خبر آورده که سـعودی‌ها با اعزام ۶۰ هزار حاجـی و برگزاری میتینگ در مقابل بعثه موافقت کرده‌اند و صدام پیغام داده اسـت که مذاکرات در عمان باشد. با رهبری تلفنی مشورت کردم؛ ایشان با هر دو موضوع موافقت دارند.

● **۲ خـرداد:** دکتر [علی‌اکبر] ولایتـی، [وزیر امور خارجه] آمد؛ نامه جواب صدام حسین را آورد. در جواب نامه جوابیه من نوشـته، به مطالب تند نامه من انتقاد نموده و برادرش بـرزان [تکریتی] را به‌عنوان نماینده خود معرفی کرده که با نماینده ما آقای سـیروس ناصری در ژنـو، برای آماده‌کردن زمینه ملاقات سـران مذاکـره کنند. اصرار کرده اسـت که ملاقات باید بین رهبری و رئیس‌جمهور ایران از یکسـو و او و جانشـینش از سوی دیگر باشد. قرار شد در جلسه شورای امنیت روز شنبه به بحث گذاشته شود.

● **۵ خرداد:** عصر شورای عالی امنیت ملی جلسه داشت. درباره نامه دوم صدام [حسـین، رئیس‌جمهور عراق] بحث کردیم و مطالبی‌که باید در جواب آن بگنجانیم، مشـخص شـد. نظر اکثریت این بود که عراق دنبال صلح است. شب در دفترم ماندم.

● **۶ خرداد:** صبح پیش‌نویس جـواب نامه دوم صدام را تهیه کردم.... شب آیت‌الله خامنه‌ای مهمان من بودند. متن جواب به صدام را خواندیم؛ تأیید شد.

● **۱۴ خرداد:** شب دکتر ولایتی و مدیران وزارت امور خارجه آمدند. متن پیش‌نویس جواب به صدام را آوردند. همچنین گـزارش مذاکره در ژنو با برادر صدام را دادند که پیشـرفتی نشان نمی‌دهد.

● **۱۹ خرداد:** شـورای عالی امنیت ملی جلسـه داشـت. گزارش مذاکره آقای[سیروس] ناصری، [نماینده دائم ایران در مقر اروپایی سازمان ملل]، با برزان [تکریتی]، برادر صدام را شـنیدیم. در مورد متن نامه‌ای که جواب نامه دوم صدام اسـت و من پیش‌نویس آن را تهیه کرده‌ام و درباره محتوای مذاکرات ناصری و برزان، بحث و تصمیم‌گیری شـد. شب با احمدآقا، مهمان رهبری بودیم. تصمیمات شـورای امنیت مطرح شد و به تصویب رهبری رسید.

● **۲۰ خـرداد:** عصر به خاطر کسـالت و صرف وقت برای اصلاح پاسـخ به نامه دوم صدام، به جلسـه هیئت دولت نرفتم. نامه را اصلاح کردم. شـب مهمـان آقای خامنه‌ای بودم. متن اصلاح‌شده نامه جوابیه به تصویب رسید.

● **۲۸ خرداد:** دکتـر روحانی، [دبیر شـورای عالی امنیت ملی] آمـد و گزارش مذاکره [سـیروس] ناصـری با برزان تکریتی را داد؛ برزان گفته اسـت به‌جای قـرارداد الجزایر، معاهده جدید باید بسـت که قاطعانـه از طرف ناصری رد شـده اسـت. همچنین بر صرف‌نظر از بند شش قطع‌نامه ۵۹۸ [در خصـوص تعیین آغازگر جنگ]، اصرار داشـته که نپذیرفته‌ایم. اصلاحاتی در متن نامه جوابیه دوم با پیشنهاد وزارت خارجه انجام شد. دیروقت به خانه آمدم.

● **۴ تیر:** شـب دکتر ولایتی، [محمدجواد]ظریف و [علی] خرّم آمدند و گـزارش مذاکره با برزان [تکریتی، برادر صدام حسین] را دادند؛ معتقدند پیشـرفت داشته و مثبت است. متن جواب تلگراف تسلیت صدام [برای زلزله] را پذیرفتم.

● **۲۰ تیر:** آقـای دکتر ولایتـی [وزیر امور خارجـه] آمد و گزارش سـفر کویت را داد؛ راضی اسـت. کویتی‌ها استقبال گرمی کرده بودند و بعضی از مشکلات روابط را مورد بحث قرار داده بودند؛ خوش‌بین اسـت. آنها گفته‌اند که عراقی‌ها به خاطر نگرانی از بند شـش قطع‌نامـه ۵۹۸، می‌خواهند صلـح از طریق مذاکره مسـتقیم تحقق یابـد و نه ازطریق سازمان ملل.[1]

● **۲۷ تیر:** آقای [جواد] ترک‌آبادی آمد و گزارش مذاکرات ژنو را داد؛ پیشـرفتی نداشته‌اند. نامه جدیدی از صدام آورد که پیشـنهاد کرده است برای تسهیل امر صلح، فرستاده‌ای نزد من بفرستد.

● **۳۰ تیر:** شـورای عالی امنیت ملی جلسـه داشت. نامه سـوم صدام مطرح شد که پیشنهاد کرده نماینده ویژه‌ای به تهران بفرستند؛ موافقت کردیم. قرار شد قبلا سطح نماینده مشخص شـود و تذکر بدهیم که قرارداد الجزایر خط قرمز اسـت. شـب با احمدآقا و آقای خامنه‌ای جلسه داشتیم. ایشان هم مصوبه شورا را تأیید کردند. برای خواب به دفترم برگشتم.

● **۶ مرداد:** عصر شورای عالی امنیت ملی جلسه داشت. آقای [علی] خرّم، [مشـاور وزیر امور خارجه و مسئول ستاد قطع‌نامه ۵۹۸] گزارش مذاکرات ژنو را داد؛ صدام پیشنهاد کرده اسـت طارق عزیـز [وزیر امور خارجه عـراق] و برزان [تکریتی، برادرش] را بفرستند؛ گفتیم به شرط قبول قرارداد ۱۹۷۵ الجزایـر[2] می‌تواننـد بیایند. دکتر ولایتـی، [وزیر امور خارجـه]، تلفنی گفت آقای [علی] خـرّم، نامه‌ای از صدام [حسـین، رئیس‌جمهور عراق] که در ژنـو تحویل داده‌اند، آورده است و آورنده نامه گفته که پایه‌های مذاکرات بعدی صلح، در این نامه نوشـته شـده و آن را خیلی مهم دانسته اسـت؛ گفتم به منـزل بیاورند. عصر آقایـان [علی] خرّم و [جـواد] تُرک‌آبادی آمدند. پیش‌نویس نامـه‌ای از صدام را آورده بودنـد. صدام آن را با عجله، با هواپیمای اختصاصی به ژنو فرسـتاده بود که زودتر به دسـت من برسد تا اگر ما مضمون نامه را بپذیریم، آن را امضا کند و رسما با پیک ویژه بفرسـتد. نامه مفصلی است و در آن پیشنهاد جامعی برای اجرای قطع‌نامه ۵۹۸ آمده که نکته اصلی آن، پذیرش نوعی مشـارکت ایران و عراق در شط‌العرب[=اروندرود]، براساس خـط تالـوگ و یا منتظر خلـع بعرض‌الطرفیـن، در مقابل صرف‌نظر از پذیرش قطع‌نامه است. مضمون نامه را تلفنی با رهبری در میان گذاشـتم؛ قرار شد در شورای عالی امنیت ملی بررسـی شود. به نظر می‌رسد در ارتباط با کشور کویت، برنامـه‌ای در نظر دارد که می‌خواهـد از جانب ما خیالش راحت باشد.

● **۱۱ مـرداد:** با رهبری تلفنـی (درباره حملـه عراق به کویت) مذاکره کردم؛ قرار شـد در موضع‌گیری عجله نکنیم و جلسه شورای عالی امنیت را تشکیل دهیم. عصر شورای عالـی امنیت ملـی در دفتر مطالعـات و تحقیقات وزارت امـور خارجه، برای بررسـی تجاوز عراق به کویت جلسـه داشت. فرماندهان نظامی و مدیران وزارت امور خارجه هم بودند. مقرر شـد اعلامیه بدهیم و محکوم کنیم و به نیروها آماده‌باش داده شـود. تفسـیر این بود که عراق از این اقدام خسـارت خواهد دید و به نفع ما تمام می‌شـود. مقرر شد [آقای ولایتـی]، وزیر امور خارجه به بعضی از کشـورهای عربی مثل سـوریه، عمان و امارات متحده عربی سـفر کند. [آقای الصباح]، وزیر امور خارجه کویت، از نقطه نامعلومی تلفن کرد و استمداد نمود.

● **۱۲ مرداد:** عصر احمدآقا آمد؛ در مورد مسـائل کویت و پیام صـدام صحبت کردیم. از ژنو گزارش رسـید که صدام پیغام داده اسـت کـه اقداماتش با ایران تاکتیک نیسـت و خواسته است که تداوم یابد.

● **۱۳ مرداد:** شـورای عالی امنیت ملی جلسـه داشـت. راجع‌به مسائل کویت و عراق و جواب پیشنهاد صدام مذاکره کردیم. قرار شد بگوییم به شرط اعلان پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر می‌توانند به ایران بیایند.

● **۱۴ مرداد:** آقای [علی] خرم [مشـاور وزیر امور خارجه و مسئول سـتاد قطع‌نامه ۵۹۸] آمد. نامه صدام را آورد که اصرار بر پذیرش سـفر طارق عزیز [وزیر امور خارجه عراق] را دارد و احتمال به‌هم‌خوردن مذاکرات را گوشـزد می‌کند. عصر هیئت دولت جلسه داشـت؛ مسئله کویت و صدام و زلزله رودبار در دسـتور بود. شب مهمان آیت‌الله خامنه‌ای بودم. درباره مسـئله کویت و عراق و نامه صدام و احتمال مداخله آمریکا مذاکره شد. نظر ایشان و من متفق بود؛ برای جلوگیری از دخالت آمریکا، نباید عملا درگیر شـویم و نباید اظهار رضایت کنیم.

● **۱۵ مرداد:** در خبرها، احسـاس تشـدید فشـار بر عراق مشـهود است. بخشـی از پیش‌نویس نامه جواب صدام را تهیه کردم... پاسخ نامه صدام را تمام کردم و خدمت رهبری فرستادم که تأیید کامل کردند.

● **۱۶ مـرداد:** دکتر روحانـی [دبیر شـورای عالی امنیت ملی]، بـرای توضیح اصلاحات پیشـنهادی در پیش‌نویس جواب نامه صدام آمد و پیشنهاد داشت که برای کشف نظر روس‌ها، سفری به شوروی بشود.

● **۱۷مرداد:** آقای [علی] خرم آمد. شرح مذاکرات اخیر با بـرزان [تکریتی] در ژنو را داد. از پیشـنهاد ما مبنی‌بر اعلان پذیرش معاهده ۱۹۷۵ الجزایر، قبل از سفر به تهران ناراحت شده‌اند و پیشـنهاد ملاقات فوری وزیران نفت دو کشور، در تهران یا جای دیگر را داده‌اند.... نیروهای نظامی آمریکا وارد عربستان سعودی شـده‌اند. نامه جواب به صدام را تکمیل کردم.

● **۲۰ مرداد:** ظهر آقایان [سـیروس] ناصری و [علی] خرم آمدند و گزارش مذاکرات ژنو را دادند؛ پیشـرفتی نداشـته و عکس‌العمل صدام در مقابل نامه ارسـالی، هنوز نرسـیده است. عصر شورای عالی امنیت ملی جلسه داشت. درمورد سیاسـت‌های برخورد با مسـئله کویت و عراق و نیروهای خارجی، مذاکره و تصمیم‌گیری کردیم. قرار شـد از درگیری نظامی با عراق پرهیز شـود، با حضـور نیروهای خارجی در منطقه مخالفت شـود، آمادگی کامل نظامی برای استفاده از فرصت‌ها حفظ شود و مذاکرات ژنو ادامه یابد. همچنین پذیرش فرسـتاده صدام به ایران، مشروط به اعلان پذیرش معاهده ۱۹۷۵ الجزایر باشد. ضمنا تبلیغات کنترل شود و نیز مذاکره و مراوده با کشـورهای جنوب و شوروی فعال شود. شـب با احمدآقا و دکتر ولایتی [وزیر امور خارجه]، مهمان آیت‌الله خامنه‌ای بودیم. همین مصوبات مطرح و مورد تأیید ایشان قرار گرفت. دیروقت به خانه رسیدم. پیشنهاد صدام از ژنو رسید که خواسته است آقای [سیروس] ناصری به بغداد برود و وزیر بازرگانی ایران و عراق ملاقات کنند.

● **۲۳ مرداد:** آقای [علی] خرم [مسـئول سـتاد قطع‌نامه ۵۹۸ در وزارت امور خارجه]، تلفنی اطلاع داد که سـفیران ژاپن و کانادا برای اسـتمداد از ایران در مورد محاصره عراق آمده بودند؛ گفته شده اگر غرب برای اجرای قطع‌نامه ۵۹۸ کاری نکند، ممکن اسـت ایـران از ابتکارهـای اخیر عراق اسـتفاده کند. از ژنو خبر دادند صدام جواب نامه من را داده و شـرایط ما را پذیرفته است؛ می‌خواستند یکسره به تهران بیایند

● **۲۴ مرداد:** خبر رسید که رادیو بغداد، نامه صدام‌حسین بـه من را خوانـده و صـدام در این نامه خواسـته‌های ما را پذیرفتـه اسـت؛ حدس دیشـب درسـت درآمد. سـیل تلفن‌های تبریک راه افتاد؛ پیروزی مهمی اسـت و حاکی از تصمیـم عراق به مقاومت در کویت در مقابل آمریکاسـت که به ما امتیاز داده اسـت. از صبـح زود، خبر اعلان اقدام سـخاوتمندانه‌ای در ارتباط با ایران را داده بودند و ما منتظر بودیم. [آقای یوسـف بن‌علوی]، وزیر امور خارجه عمان، به ملاقات آمد؛ از شـنیدن خبر قبول خواست‌های ما که برای آنها نشـان از ادامـه بحران در جنوب خلیج‌فارس اسـت، خیلی دمغ شده بود. از همکاری ما با عراق نگران بود. گفتم درمورد موضوع تجاوز بـه کویت همکاری نخواهیم کرد و برای خروج از کویت پافشاری می‌کنیم. خبر داد که عربستان سعودی و سـایر کشـورهای جنوب خلیج‌فارس، شایق به اصـلاح روابط خود با ایران هسـتند و رئیس‌جمهور آمریکا هم با سلطان عمان در این خصوص و بررسی راه‌حل مشکل و روابـط با ایران، ۴۵ دقیقه حرف زده و خواسـتار کمک به آزادی گروگان‌هـای آمریکایی از طرف ماسـت؛ گفتم نوبت اقدام آمریکاست. عصر هیئت دولت جلسه داشت. همه از پذیرش شـرایط ما توسط عراق خوشحال‌اند و آن را پیروزی مهمی می‌دانند. شـورای عالی امنیت ملی جلسه داشت. تصویب شد که اجازه بدهیم هیئت عراقی بتوانند از یکشنبه آینده به ایران بیایند. شب برای تمشیت امور اسرا که بناست آزاد شوند، در دفترم ماندم.

● **۲۷ مرداد:** شورای عالی امنیت ملی، در حضور آیت‌الله خامنه‌ای جلسه داشت. قرار شـد هیئت عراقی را بپذیریم، ولی ترکیب هیئت سیاسی باشد، نه اقتصادی و کمک به رفع محاصـره نکنیم. همچنین بند ۶ قطع‌نامـه ۵۹۸ [در مورد معرفـی آغازگر جنگ] را فعلا لغـو نکنیم. اگر بیانیه صلح خواسـتند، موافقت کنیم. همچنین ایرانی‌های مقیم کویت را بپذیریم. فرانسـه پیغام داده است چه انتظاری از سازمان ملل برای قطع‌نامه ۵۹۸ داریم.

● **۱ شهریور:** عصر به مناسبت هفته دولت، همراه اعضای دولت، به ملاقـات آیت‌الله خامنه‌ای رفتیـم. من و رهبری صحبت کردیم. همان‌جا نشان درجه‌یک فتح را به من دادند؛ پذیرفتم. مدتی پیش می‌خواستند بدهند، مناسب نمی‌دیدم؛ ولی با پیروزی‌های جاری، قابل قبول شده بود.

● **۲۴ شـهریور:** شـورای‌عالی امنیت ملی جلسه داشت. نتایج سـفر هیئت عراقی بررسی شـد. درباره دستور هیئت ایرانی که فردا عازم سفر به عراق است، بحث و تصمیم‌گیری شد. عراقی‌ها اعلان کرده‌اند که اسرای ما تمام شده‌اند؛ نظر این شد که نپذیریم و مدعی وجود هزاران اسیرمان در عراق باشیم؛ چون مفقودالاثر زیاد است.

شب با احمدآقا مهمان رهبری بودیم. گزارش تصمیمات شورا را دادیم و مقرر شد هفته دفاع مقدس، تبدیل به جشن پیروزی شود.

اعطای مدال فتح به فرمانده جنگ از سوی فرمانده کل قوا

سخنان رهبر انقلاب هنگام اعطای نشان درجه یک فتح به آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی به‌عنوان فرمانده جنگ پس از اعلام پیروزی ایران در دفاع مقدس در روز نخسـت شهریور سـال ۶۹: «یکی از چیزهایی که ما همیشه به‌عنوان فضایل برجسـته جناب آقای هاشـمی در ذهن داشتیم و مشاهده می‌کردیم، حضور فداکارانه و مدبرانه ایشان در صحنه‌های جنـگ تحمیلی بود و حقیقتا زبان قاصر اسـت از اینکه آن زحمات و آن فداکاری‌ها را سپاسگزاری کند. من آن شب‌های دشوار، آن لحظات پر هم‌وغم و پرمسئولیتی را که ایشان در مقابل چشم همه ما گذراندند -که همیشه مورد تشکر امام بزرگوارمـان (رضوان‌الله تعالی علیه) هـم بود- فراموش نمی‌کنم. ما حـالا می‌خواهیم این تشـکر را به‌صورت یک حرکت سمبلیک مجسـم کنیم و این نشان فتح را به سینه جناب آقای هاشـمی الصاق نماییم. امیـدوارم که خداوند متعال به شـماها کمک کنـد و توفیق بدهـد و در این راه دشـواری که در پیش دارید و مسئولیت عظیمی که برعهده گرفته‌اید، تأییدتان کند، تـا بتوانید وظایفتان را انجام بدهید. خداوند بر شما منت گذاشته و شما را در عداد خدمتگزاران صدیق اسـلام قرار داده اسـت. این، نعمت بزرگی اسـت. شکرش، هرچه بیشتر و مشـتاقانه‌تر و عاشقانه‌تر کارکردن است که ان‌شاءالله خدای متعال، توفیق این شکر را به همه ما عنایت کند».

***پی‌نوشت:**

۱. در بنـد ۶ قطع‌نامـه ۵۹۸، شـورای امنیت سـازمان ملل، از دبیـرکل خواسـت در مشـورت با ایران و عـراق، موضوع احاله بررسـی مسـئولیت آغاز جنگ را بـا گروهی بی‌طرف پیگیری کـرده و در اولین فرصت ممکن در جهت اجرای این درخواسـت به شـورای امنیت گزارش دهد. گفتنی است با دیپلماسی مناسب دولت سازندگی، در نهایت دبیرکل سازمان ملل در گزارشـی، عراق را مسـئول آغاز جنگ معرفی کرد و چنین نوشت: «مسلم است جنگ بین ایران و عراق که سالیان دراز به طول انجامید، شـروع آن نقض حقوق بین‌الملل بود و موارد نقـض حقـوق بین‌الملل، موجب مسـئولیت برای مخاصمه است. آن بخش از موارد نقض مقررات بین‌المللی کـه در چارچوب بند ۶ باید مورد توجـه ویژه جامعه جهانی قرار گیرد، استفاده غیرقانونی از زور و عدم احترام به تمامیت ارضی یک کشور عضو اسـت. مسلما در طول جنگ مواردی عمده و گسـترده از نقض اصول مختلـف حقوق بین‌المللی انسـانی وجود داشته است. پاسـخ عراق به نامه ۱۴ آگوست ۱۹۹۱ من، پاسـخی محتوایی نیسـت؛ بنابراین من ناچارم بر توضیحاتی که قبلا توسـط عراق ارائه داده شده است، تکیه کنم. توضیحات عـراق برای جامعـه بین‌المللی قابل قبول و کافی نیسـت؛ بنابراین رویداد برجسـته‌ای که تحت عنوان موارد نقض اشاره کردم، همانا حمله ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ علیه ایران است که براساس منشـور سازمان ملل متحد، اصول و قوانین شناخته‌شـده بین‌المللی یا اصول اخلاقی بین‌المللی، توجیه‌پذیر نیست و موجب مسئولیت مخاصمه است».

۲. عهدنامه ۱۹۷۵ الجزایر، قراردادی میان ایران و عراق است که خط مرزی دو کشـور در آب‌هـای اروندرود را تعیین کرده است. این قرارداد به دلیل انتشار اعلامیه مشترک دو کشور در ۱۵ اسفند ۱۳۵۳ (۶ مارس ۱۹۷۵) در الجزیره که پیش‌زمینه امضای پیمان‌نامه شد و میانجیگری مقامات الجزایر در تمام مراحل، به پیمان الجزایر معروف شـده اسـت؛ هرچند محل امضای تمام پیمان‌ها و پیوست‌ها و موافقت‌نامه‌های مرتبط در بغداد بوده است. این قرارداد در اوج اختلافات مرزی میان ایران و عراق بر سـر مالکیت آب‌های اروندرود با میانجیگری «هواری بومدین» رئیس‌جمهور وقت الجزایر بین عباسـعلی خلعتبری و سـعدون حمادی، وزیران خارجـه ایران و عراق و در حضـور عبدالعزیـز بوتفلیقـه، عضو شـورای انقلاب و وزیـر امور خارجه الجزایر، امضا شـد. در این معاهده مرز دو کشـور در اروندرود، بر پایه خط تالوگ تعیین شـد. همچنین دو کشور موافقت کردند که از «رخنه اخلالگران» در مرزهای دو کشـور جلوگیری کنند. پیمان الجزایـر در زمان حکومت محمدرضاشاه پهلوی و صدام حسین بسته شد. نسخه اصلی این پیمان هم‌اکنون به‌عنوان یکی از اسناد سازمان ملل متحد در مقر آن نگهداری می‌شـود. صدام حسـین، رئیس‌جمهور عـراق در ۲۶ شـهریور ۱۳۵۹ معاهـده الجزایـر را به‌طـور یک‌جانبه فسـخ و سـند معاهده را جلوی دوربین تلویزیون عراق پاره کرد و در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ دست به حمله گسترده علیه ایران زد. صدام حسـین پس از اشـغال کویت در سال ۱۹۹۰ میلادی که باعث شـکل‌گیری اجماع بین‌المللی علیه عراق شـد، با ارسال نامه‌ای به آقای هاشمی، قرارداد الجزایر را به‌عنوان سندی رسـمی برای تعیین مرز آبی ایران و عراق در اروندرود پذیرفت. متن ایـن نامه در بخش ضمائم همین کتاب چاپ شده است.